

تحلیل رویکردهای نظری نقد ترجمه: کاربردهای آموزشی و پژوهشی

علی محمد محمدی *

مربی زبان انگلیسی دانشگاه اراک، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۲۱، تاریخ تصویب: ۸۷/۱۱/۲۳)

چکیده

بحث اصلی این مقاله تحلیل گفتمان محققان و پژوهشگران زمینه نقد ترجمه به منظور کشف مبانی و منابع آموزشی و یادگیری، تعیین معیارها و ملاک‌های نقد ترجمه، و تشخیص نوع، کیفیت، و چگونگی هم‌کنشی بین متغیرها در عرصه نقد ترجمه است. این مقاله با نگرشی تحلیلی، توصیفی، و تطبیقی دیدگاه‌های زبان‌شناسان، ترجمه‌شناسان، و مترجمان را تجزیه و تحلیل کرده است. نتیجه نشان می‌دهد که ۶۲/۷٪ مبانی فکری و منابع آموزش و یادگیری محققان در مطالعات انتقادی ترجمه را بررسی و توصیف خود فرایند ترجمه تشکیل می‌دهد. این نکته مبین رابطه مثبت بین رویکردهای نقد ترجمه و مبانی علم آزمون‌سازی است. ۳۹/۵٪ محققان ابعاد گوناگون تحلیل را مورد توجه قرار داده‌اند که در آن هم‌کنشی بین متغیرها تجزیه و تحلیل می‌گردد. ۶۹/۷٪ محققان بر این باورند که فرایند نقد ترجمه دارای معیارها و ملاک‌هایی است که میان آنها و زبان، ادبیات، فرهنگ، و علوم گوناگون رابطه معناداری وجود دارد. به نظر همه محققان، نقد ترجمه ماهیتی پژوهشی دارد و می‌تواند آثار مختلفی بر ابعاد گوناگون نظام تربیت مترجم داشته باشد. لازمه چنین رویکردی بازنگری و تحول در زمینه‌های تهیه و تدوین مطالب درسی، آموزش، و روش‌های آزمون ترجمه می‌باشد و روش‌های سنتی دیگر پاسخ‌گوی نیازهای رشته تربیت مترجم در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست. با توجه به این که در رشته‌های مرتبط از جمله آموزش زبان و زبان‌شناسی تحقیقات گسترده و نظام‌مندی صورت گرفته است، می‌توان اصول و مبانی آنها را مطالعه کرد و اشتراکات را اقتباس نمود و با اتخاذ روش‌های خلاق، نظام آموزشی بدون تربیت مترجم را ارائه کرد. به خاطر این که در آن حوزه‌ها در طول سال‌ها تحقیقات فراوانی انجام گرفته است و ترجمه‌شناسان می‌توانند با تجزیه و تحلیل آنها رسیدن به هدف در ابعاد گوناگون را تسهیل نمایند.

واژه‌های کلیدی: رویکردهای نظری، نقد ترجمه، کاربردهای آموزشی و پژوهشی.

۱- مقدمه

حوزه ترجمه ماهیتی میان رشته‌ای دارد و ابعاد گوناگون آن، از جمله نقد ترجمه، از این قاعده مستثنی نیست. دیدگاه‌های گوناگونی درباره نقد ترجمه ارائه شده است. کارشناسان از منظر علوم مختلف به تعریف، توصیف، و تحلیل آن پرداخته‌اند. هلمز (۲۰۰۰، ص ۱۷۳)، توری (۱۹۹۵، ۳۵)، و بیکر (۱۹۹۸، ۲۷۸) در نمودار تحقیقات ترجمه خود، نقد ترجمه را جزء زیر مجموعه تحقیقات کاربردی ترجمه قرار می‌دهند. معمولاً فلسفه ارائه تعریف از یک پدیده، معرفی ماهیت، متغیرها، و نقش آن می‌باشد. هدف کلی نقد ترجمه، بررسی و ارزیابی کیفیت ترجمه از ابعاد مختلف و کشف رابطه بین متغیرهای گوناگون است. فرایند بررسی و ارزشیابی یکی از عوامل بنیادی هر برنامه آموزشی است. مبنای هر نظام ارزشیابی بر اساس تجزیه و تحلیل نیازها، اهداف، مطالب درسی، و نظام آموزشی قرار دارد (فرهادی ۱۳۷۸، ۲۶). در عالم ارزشیابی، عقیده بر این است که پایه‌ها و اساس ارزشیابی بر مبنای ملاک‌ها و معیارهای آموزشی استوار است. و این رشته در بر گیرنده علمی مثل زبان‌شناسی، روان‌شناسی، و جامعه‌شناسی است (فرهادی و دیگران ۱۳۷۳، ۴۳). این مقاله با هدف ارائه نمودار و طرح مطالعات نظری نقد ترجمه، بر آن است تا با نگرشی تحلیلی، توصیفی و تطبیقی دیدگاه‌های زبان‌شناسان، ترجمه‌شناسان، و مترجمان را بررسی کرده و مبانی و منابع آموزش و یادگیری آنها، معیارها و ملاک‌های نقد ترجمه، و همچنین نوع، کیفیت و میزان تعامل بین متغیرهای مورد توجه آنان را تجزیه و تحلیل نماید. برای رسیدن به این هدف، این پژوهش دیدگاه‌های چهل و سه نفر از محققان و پژوهشگران عرصه نقد ترجمه را تجزیه و تحلیل کرده است.

مطابق جدول شماره ۱، در تحلیل دیدگاه‌های کارشناسان در می‌یابیم که بخشی از مبانی نظری نقد ترجمه را توصیف فرایند ترجمه و اقدامات مترجم تشکیل می‌دهد (۶۲/۷٪). بخش دیگر شامل تحلیل مسائل مختلف (۳۹/۵٪) است. و بخش سوم در بر گیرنده معیارها و ملاک‌هاست (۶۹/۷٪). و بخش پایانی ماهیت نقد را تشکیل می‌دهد (۱۰۰٪).

۲- فرایند ترجمه و اقدامات مترجم

به نظر کارشناسانی مانند هتیم و ماندی (۱۸، ۲۰۰۴)، در فرایند ترجمه اقدامات، تصمیم‌گیری‌ها و رویکردهای مترجم در تجزیه و تحلیل متن مبدأ و بازآفرینی آن در زبان دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در فرایند ترجمه به قول پیرس (۱۹۷۲) منقول در رابینسون (۱۷۸، ۱۹۷۷) مترجم از طریق استقراء (induction)، استنباط (deduction)، و حدس

و گمان (abduction) به کسب تجربه، توانش ترجمه‌ای و کنش ترجمه‌ای می‌پردازد و تمامی اقدامات وی به نحوی از این سه مرحله عبور می‌کند، تا متنی منسجم به وجود آید. بنابراین اساس، خود مترجم و اقدامات و تصمیمات وی در کانون فرآیند ترجمه قرار می‌گیرند. بخش بعدی به بررسی متغیرهای فرایند ترجمه می‌پردازد.

۲-۱- راهبردها

مطابق جدول شماره ۲، ۲۳/۲۵٪ کارشناسان به مطالعه راهبردهای ترجمه‌ای مترجمان پرداخته‌اند. این محققان و نوتی (۴۵، ۱۹۹۵) لفویر (۲۴۰، ۲۰۰۰)، توری (۲۰۰ : ۱۹۸)، و دلاباستیتا (۵۹، ۱۳۸۴)، دلاباستیتا (۱۹۹۳) منقول در اوسیمو (۲۰، ۲۰۰۴)، و پیرس (۱۹۹۰) منقول در رایینسون (۱۹۸، ۱۹۹۷) راهبردهای هفت‌گانه‌ای را معرفی می‌کنند. توری دو راهبرد مکمل به نام‌های نویسنده-محور و خواننده-محور را برای بررسی ترجمه‌ها پیشنهاد می‌کند. خود وی راهبرد خواننده-محور را برای نقد ترجمه ترجیح می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که برای کشف راهبردها، ناگزیر به تجزیه و تحلیل متن مقصد یا فرامتن (Metatext) ایم. در بررسی فرامتن‌ها محقق اصول ثابت در فرایند عملی ترجمه و قواعد به وجود آورنده رفتار ترجمه‌ای مترجم در فرهنگ خاصی را کشف می‌کند.

پیرس هم راهبرد حدس و گمان را پیشنهاد می‌کند که به کمک آن، راهبرد نگارشی مترجم مطالعه می‌شود. در بررسی راهبردهای نگارشی مترجم، راهبردهای روایی موجود در ترجمه نیز کشف و مطالعه می‌شوند. دلاباستیتا هم دو راهبرد قرینه‌سازی فرهنگی (Cultural Analogy) و شباهت فرهنگی (Cultural Homology) را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. در راهبرد نخست، مترجم از معنایی مشابه در فرهنگ مقصد استفاده می‌کند و در راهبر دوم دال‌های فرهنگی (Cultural Signifiers) یعنی صورت و مدلول‌های فرهنگی (Cultural signified)، یعنی معنی بررسی می‌گردد.

برای بررسی و مطالعه ترجمه‌ها، لارنس و نوتی (۱۹۹۵، ۱۹۵) دو راهبرد بیگانه‌سازی (Foreinization) و بومی‌سازی (Demestication) را پیشنهاد می‌کند و محققان دیگر یعنی تاروپ (۲۰۰۰) منقول در اوسیمو (۲۹، ۲۰۰۴) و مایر (۲۰۷، ۱۹۹۸) فقط به کشف راهبردها اکتفا کرده و راهبردهای خاصی را ذکر نمی‌کند. توجه اصلی هتیم و میسن (۱۹۹۰) منقول در مایر (۲۰۵، ۱۹۹۸) به راهبرد نشانه‌شناسی فرهنگی زبان است و مقولاتی چون نوع ادبی و گفتار را مطالعه می‌کنند که در بر گیرنده فرایند هم کنشی ارتباط انسانی است.

به نظر لفویر (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۲۴،۲۰۰۴) راهبردهایی چون وام‌گیری (Loan)، واژه‌سازی (Lexicalization) و تصویرگری (illustration) از امکانات مترجم برای حل مشکلات فرا راه خویش در فرایند ترجمه‌اند و در مطالعه فرامتن، محقق ترجمه می‌تواند به کمک این عوامل، اقدامات مترجم را کشف کند. همچنان کلی (۱۹۷۹) منقول در ونوتی (۴،۲۰۰۰) معتقد است که از طریق کشف رابطه بین هدف ترجمه و عملیات ترجمه می‌توان راهبردهای ترجمه‌ای را کشف نمود و سرانجام اصول و قواعد ترجمه را به دست آورد.

۲-۲- سبک ترجمه

در زمینه سبک مترجم، مطابق جدول شماره ۲، ۱۱/۶٪ کارشناسان به اظهار نظر پرداخته‌اند. لوی (۱۵۰،۲۰۰۰) و لوی (۱۹۷۶) منقول در اوسیمو (۳۲،۲۰۰۴) وظیفه منتقد ترجمه را کشف رابطه بین سبک زمانه، سبک مترجم، و سبک نویسنده می‌داند. در صورت وجود همبستگی و ارتباط بین این سه متغیر، می‌توان مترجم را مترجمی موفق نامید. سهیلی (۳۹،۱۳۶۵) مسائل سبک‌شناسی را مدنظر قرار داده و معتقد است که در فرایند نقد ترجمه، باید توانایی مترجم در شیوه نگارش و آوردن واژه‌ها و فرایندهای ویژه نحوی در قالب نظم و نثر را بررسی نمود. قاضی (۳۱،۱۳۷۲) نحوه برخورد مترجم با سبک متن اصلی و بازآفرینی آن در متن مقصد را تجزیه و تحلیل می‌نماید. تاروپ (۲۰۰۰) منقول در اوسیمو (۲۲،۲۰۰۴) معتقد است که سبک مترجم در تغییرات آگاهانه وی در ابعاد گوناگون متن مبدا نمود می‌یابد. سیمپسیون (۲۵۵،۱۹۹۸) با تأکید بر بررسی انتقال پیام متن مبدا را در قالب تعادل سبکی معتقد است که انتقال پیام بدون توجه به سبک متن مبدا، منجر به حذف بخشی از آن خواهد شد.

۳-۲- تصمیمات مترجم

در این بخش کارشناسان روش‌های حل مسئله، فرایندهای ارتباطی، انتخاب‌ها، اقدامات اهداف، بافت ادبی، روش ترجمه، توانایی تحلیل، رویکرد مترجم در زمینه سبک، تأثیر مترجم بر فرایند ترجمه را مطالعه کرده‌اند. مطابق جدول شماره ۲ در مجموع ۳۲/۵٪ کارشناسان نقد در این زمینه به اظهار نظر پرداخته‌اند. لفویر (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۳۰،۲۰۰۴) معتقد است که در اکثر موارد مترجم به کمک روش‌های گوناگون تضادهای موجود بین دقت و مقبولیت را کاهش می‌دهد و مسائل جدید را جذب فرهنگ خویش می‌کند. جی.سی. هلمز (۱۷۲،۲۰۰۰)،

بر اساس بررسی فرایند ارتباطی خواندن اذعان می‌دارد که مترجم بعد از خواندن متن مبدأ نقشه ذهنی متن اصلی را در ذهن خویش ایجاد می‌کند. سپس به کمک آن متن مقصد را در قالب فرهنگ مقصد طراحی و ترسیم می‌نماید و به کمک آن تک تک تصمیمات خویش را اتخاذ می‌کند.

از نظر تاروپ (۲۰۰۰) منقول در اوسیمو (۱۴،۲۰۰۴) بُعد دیگری که منتقدان ترجمه باید مدنظر قرار دهند، تعیین و تشخیص ثبات مترجم در روش‌ها، راهبردها، و کاربرد آنهاست. این امر نشان دهنده میزان تجربیات مترجم در حل مشکلات خویش و عبور موفقیت‌آمیز وی در تنگناهای زبانی است. به نظر صفوی (۸،۱۳۸۲) منتقد ترجمه باید بر اساس ترکیب‌های زبان مقصد، تصمیمات، ترکیبات و انتخاب‌های مترجم را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و با گزینه‌های نویسنده زبان مبدأ مقایسه می‌کند.

سهیلی (۴۴،۱۳۶۵) فرایند کاری مترجمان را در قالب روان‌شناسی زبان تجزیه و تحلیل می‌کند و معتقد است که بین ذهن و زبان تأثیرات متقابلی وجود داشته و کلیه فعل و انفعالات ترجمه در ذهن مترجم صورت می‌گیرد. فرایندهای ذهنی تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی قرار دارند و نقد ترجمه بدون توجه به رابطه در هم تنیده فرایندهای ذهنی و عوامل اجتماعی، راه به جایی نخواهد برد. به نظر اَوَن ژهر (۱۹۲،۲۰۰۰) مترجم به دنبال تولید متنی روان و سلیس در فرهنگ مقصد است و برای رسیدن به این هدف باید در متن مبدأ تغییراتی صورت گیرد تا با ملاک‌های فرهنگ مقصد منطبق و سازگار گردد. توفیق در این بخش نمایانگر خلاقیت مترجم بوده و زمینه ابداع و ابتکار را فراهم می‌کند.

به نظر ویلیکوفسکی (۱۹۸۰) منقول در مایر (۲۰۳،۱۹۹۸) منتقد ترجمه باید با بررسی بافت ادبی کار مترجم به توصیف روش‌ها، میزان دقت مترجم، و سطح تعادل بپردازد. نیومارک (۱۸۶،۱۹۸۶) معتقد است که در نقد ترجمه باید تفسیر مترجم از هدف متن مبدأ، روش ترجمه، و مخاطب ترجمه مورد توجه قرار گرفته و اقدامات مترجم در این زمینه‌ها ثبت و ضبط گردد. از نگاه دادز (۱۹۸۵) منقول در مایر (۲۰۷،۱۹۹۸) هدف فرایند ترجمه تولید متن است و منتقد ترجمه هم تحلیل‌گر متن است. به نظر جعفرپور (۱۶،۱۳۷۷) منتقد در بررسی فرامتن به دنبال شناخت ترفندهای مترجم، درک نحوه عبور موفق مترجم از تنگناهای زبانی، کشف و بررسی معادل‌های برگزیده مترجم و تشخیص میزان رعایت امانت‌داری مترجم می‌باشد.

قاضی (۱۸،۱۳۷۲) بررسی اقدامات مترجم در زمینه سبک و نحوه انتقال سبک مبدأ را

مورد ملاحظه قرار داده است. دوما (۳۴،۱۳۷۴) نگرشی تعاملی به این بخش از نقد داشته و معتقد است که در نقد ارائه نوعی تفسیر لازم است و آن تفسیر عملکرد مترجم در ابعاد گوناگون زمینه کاری وی می‌باشد. نایبجکوز (۲۰۰۶:۵۰۹) معتقد است که تحت تأثیر رویکردها و نگرش‌های مترجم در فرایند ترجمه، عمدتاً محتوای اثر کیفیت جدیدی پیدا نموده و معنی و ارزش آن از صافی مترجم عبور می‌کند. کلی (۱۹۷۹) منقول در ونوتی (۴،۲۰۰۰) مسئولیت منتقد را توصیف و تحلیل عملیات در فرایند ترجمه و شرح و تفسیر انتقادی آنها می‌داند. ونوتی (۵،۲۰۰۰) هم شرح و تفسیر عملیات موجود در فرایند ترجمه را پیشنهاد می‌نماید.

۲-۴- بازآفرینی

حدود ۱۱/۶٪ کارشناسان درباره ابعاد بازآفرینی اظهار نظر کرده‌اند (جدول شماره ۲). به نظر توری (۲۰۰،۲۰۰۰) و توری (۱۹۹۱) منقول در اوسیمو (۱۷،۲۰۰۴)، منتقد می‌تواند اقدامات مترجم را از طریق روش معکوس (Retrogressive) و به کمک مطالعه نتیجه (ترجمه) تجزیه و تحلیل کند. یعنی نقد ترجمه از انتهای فرایند ترجمه شروع می‌شود. به نظر پیرس (۱۹۷۱) منقول در اوسیمو (۱۲،۲۰۰۴)، منتقد ترجمه می‌تواند با کاربرد استدلال بر اساس حدس و گمان (abductive Reasoning) به باز آفرینی اقدامات مترجم و سرانجام به بازسازی تفکر، راهبردها، و نحوه ترجمه بافت متن مبدأ اقدام کند.

لوی (۱۹۹۰) منقول در اوسیمو (۲۴،۲۰۰۴) از اصطلاح بازآفرینی معکوس (Retrogressive Reconstruction) استفاده می‌کند. در اینجا هم کار نقد ترجمه از بررسی ترجمه شروع شده و هدف آن بازآفرینی روش و دیدگاه مترجم است. از دیدگاه هلمز (۱۸۰،۲۰۰۰) منتقد باید نقشه‌ها و طرح‌های ذهنی مترجم را بازآفرینی کرده و به منظور تشخیص راهبردهای ترجمه‌ای، نقشه‌های ذهنی مترجم را با هم مقایسه کند. سهیلی (۴۵،۱۳۶۵) فرایند بازآفرینی در ترجمه را تحت تأثیر فرایندهای ذهنی می‌داند و فرایندهای ذهنی هم تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارند و منتقد ترجمه مسئولیت زیادی در کشف هم کنشی میان آنها را دارد.

۲-۵- توصیف فرایند ترجمه

در این بخش ماهیت فرایند ترجمه، رفتار ترجمه‌ای مترجم و عوامل مؤثر در این رابطه از منظر نگاه پژوهشگران گستره نقد ترجمه بررسی می‌گردد. ۸۳/۷٪ پژوهشگران این گستره-

یعنی سی و پنج نفر - در این بخش اظهار نظر کرده‌اند. درصد بسیار بالایی است و نشان می‌دهد که محققین اهمیت بسیار زیادی برای آن قائل می‌باشند. در مجموع این محققین حوزه‌های چهارگانه ذیل را مطالعه کرده‌اند: ماهیت ترجمه (۴۲/۸٪)، عوامل مؤثر در ترجمه و وجود عملیات گوناگون در ترجمه ۳۷٪ (جدول شماره ۳).

۲-۵-۱- ماهیت فرایند ترجمه

کارشناسان دیدگاه‌های گوناگونی درباره ماهیت ترجمه دارند. برخی رویکردی ادبی داشته، گروهی نگرشی روان‌شناختی دارند، و بعضی دیگر هم رویکردی ارتباطی نسبت به آن دارند. بر اساس جدول شماره ۴، ۲۵/۷٪ محققان رویکردی ادبی نسبت به ماهیت ترجمه دارند. دریابندری (۸۸،۱۳۷۶) ترجمه را نوعی آفرینش ادبی می‌داند. سهیلی (۳۹،۱۳۶۵) ترجمه را کاری ادبی و دارای موازین فنی ادبیات از قبیل بلاغت، فصاحت، انسجام، ظرافت سبک، چیرگی و تسلط بر الفاظ، جذبۀ ساحرانه بر الفاظ، و ابداع مضامین می‌داند. تقیه (۵۳،۱۳۸۴) ترجمه را یکی از شاخه‌های علوم ادبی تلقی می‌کند. قاضی (۳۱،۱۳۷۳) بحث آفرینش سبک در ترجمه را به میان آورده و آن را فرایند ادبی می‌شناسد. تلقی ویلیکوفسکی (۱۹۹۸) منقول در مایر (۲۰۵،۱۹۹۸) از ترجمه ایجاد رابطه بین دو بافت ادبی مبدأ و مقصد است. خزاعی‌فر (۱۱۱،۱۳۸۴) و سیمپسون (۲۵۵،۱۹۸۵) بخشی از فرایند ترجمه را فرایند ایجاد تعادل در سبک می‌دانند. هارن‌بای (۱۹۸۸)، منقول در اوسیمو (۲۳،۲۰۰۴) معتقد است که ترجمه در عالم ادبیات می‌گنجد: نایب‌جکوز (۵۰۹،۲۰۰۶) هم معتقد است که بخشی از مبانی ترجمه را دیدگاه‌های ادبی تشکیل می‌دهد.

گروه دوم پژوهشگران گستره نقد ترجمه (مطابق جدول شماره ۴، ۱۱/۴٪) رویکردی نظری - شناختی نسبت به فرایند ترجمه دارند. در بخشی دیگر از مباحث خود، سهیلی (۳۹،۱۳۶۵) ترجمه را کاری در گستره شناخت مسائل ذهنی تلقی کرده و معتقد است که کلیه فعل و انفعالات ترجمه در ذهن مترجم صورت می‌گیرد. رادریگوس (۱،۲۰۰۱) ترجمه را مستلزم شناخت دقیق دو فرهنگ معرفی می‌کند. هاوس (۱۲،۲۰۰۵) ترجمه را متضمن شناخت نظریه‌های گوناگون در این زمینه می‌داند. هتیم و میسن (۱۹۹۰) منقول در مایر (۲۰۴،۱۹۹۸) رویکردی نشانه‌شناختی نسبت به فرایند ترجمه دارند که بر رشته‌ای از گفتمان در فرایندی از همکاری تأکید دارد.

مطابق جدول شماره ۴، ۲۰٪ نویسندگان رویکردی تعاملی - ارتباطی نسبت به فرایند

ترجمه دارند. ویلیکوفسکی (۱۹۸۸) منقول در مایر (۲۰۷، ۱۹۸۸) فرایند ترجمه را فرایندی متشکل از ارتباطات بین زبانی تلقی می‌کند. بخشی از این ارتباطات مربوط به بافت ادبی-زبانی می‌شود و بخش دیگر دربرگیرنده رابطه بین متن اصلی و فرامتن (ترجمه) و هم‌کنشی آن دو با بافت ادبی مبدأ و مقصد می‌باشد. نیومارک (۱۸۷، ۱۹۸۶) معتقد به وجود تفسیر در فرایند ترجمه است. در بطن خود فرایند تفسیر ارتباطات، اشارات، ارجاعات گوناگون و متعددی وجود دارد که کشف، ارائه، و طبقه‌بندی آنها و سرانجام خلق خود فرامتن نیازمند تعاملات ارتباطی مختلفی می‌باشد. به نظر سهیلی (۳۹، ۱۳۶۵) برقراری ارتباط بعد دیگری از فرایند ترجمه را تشکیل می‌دهد. امیرفریاد (۱۴، ۱۳۷۷) و دادز (۱۹۸۵) منقول در مایر (۲۰۷، ۱۹۹۸)، فرایند ترجمه را فرایندی متن‌آفرین می‌دانند که در آن ارتباطات گوناگونی باید بین مسائل مختلف برقرار گردد. بخش دیگر رویکرد ارتباطی نسبت به فرایند ترجمه مربوط به مهارت خواندن و درک مطلب است.

پیرس (۱۹۹۰) منقول در اوسیمو (۲۷، ۲۰۰۴) خواندن انتقادی را تفسیر متن دانسته و معتقد است که این نوع خواندن، نوعی بازی است، بازی بر اساس حدس و گمان که در گستره ترجمه دارای ویژگی‌های تقریباً پیچیده‌ای است. هلمز (۱۷۷، ۲۰۰۰) بر نقش فرایند خواندن در ترجمه اکتفا می‌کند و معتقد است که به کمک مهارت خواندن، نقشه ذهنی متن اصلی در ذهن مترجم ایجاد می‌گردد و سپس به کمک این نقشه متن مقصد خلق می‌گردد.

۲-۵-۲- عوامل مؤثر در فرایند ترجمه

مطابق جدول شماره ۳ در بخش عوامل مؤثر در فرایند ترجمه ۴۸/۵٪ محققان (۱۷ نفر از ۳۵ نفر) اظهار نظر نموده و گستره‌های فرهنگ، مخاطب، و زبان، را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. ۳۵/۲٪ آنان (۶ نفر) رابطه فرهنگ و ترجمه را مد نظر قرار داده‌اند (جدول شماره ۵). سهیلی (۴۳، ۱۳۶۵) موضوع در هم‌تنیدگی زبان و فرهنگ را مطرح کرده و معتقد است که این موضوع خود را در ترکیب کلمات نشان می‌دهد و انتقال اصالت فرهنگی کلمات معمولاً دچار دستکاری‌هایی می‌شود.

نیومارک (۱۸۹، ۱۹۸۶) معتقد است بین فرهنگ مقصد و ویژگی‌های اثر ترجمه شده همبازی وجود دارد و هر دو به گونه‌ای بر یکدیگر تأثیرگذارند. هارتون (۸۰، ۱۹۹۵) با پژوهش درباره رابطه متقابل فرهنگ مقصد و ترجمه، معتقد است که پذیرش ترجمه‌ها در بافت فرهنگ مقصد و جایگاه آنها در آن فرهنگ، عملیات و اقدامات موجود در فرایند ترجمه تأثیر

می‌گذارد. پاپویچ (۱۹۷۲) منقول در اوسیمو (۱۴،۲۰۰۴) راز مقبولیت اثر ترجمه شده در یک فرهنگ را طول عمر آن اثر در آن فرهنگ می‌داند و معتقد است که واکنش فرهنگ جامعه تأثیر معناداری بر اقدامات مترجم خواهد داشت. خزاعی فر (۱۱۱،۱۳۸۴) رابطه فرهنگ و ترجمه را از رویکردی رفتاری بررسی می‌کند و معتقد است که ترجمه رفتاری اجتماعی است و تحت تأثیر ملاک‌های رایج در فرهنگ است.

نورد (۱۹۹۱) منقول در اوسیمو (۱۰،۲۰۰۴) رابطه ترجمه و فرهنگ را در قالب معیارهای فرهنگ مبدأ و مقصد بررسی نموده و معتقد است که این معیارها متفاوت بوده و در نتیجه در فرایند ترجمه، معیارهایی برای تعدیل و تنظیم اقدامات، تغییرات، و رویکردهای مترجم پا به عرصه وجود می‌نهند.

بخش دیگر عوامل مؤثر بر فرایند ترجمه از منظر کارشناسان نقد، رابطه مخاطب و فرایند ترجمه است. آنان معتقدند که این متغیر، منجر به پیدایش کیفیت جدید برای اثر ترجمه شده می‌گردد. در مجموع ۳۵/۲٪ (۶ نفر) در این موضوع اظهار نظر کرده‌اند (جدول شماره ۵). دبوگراند (۱۹۷۸) منقول در مایر (۲۰۵،۱۹۹۸) موضوع پیش فرض‌ها را درباره مخاطب بررسی می‌نماید. پیرس (۱۹۸۵) منقول در اوسیمو (۲۴،۲۰۰۴) ارتباط نگارش متن و خواننده را مطرح می‌کند و معتقد است که متن هرگز نمی‌تواند همه چیز را به شکل مستقیم بیان کند و اغلب بخش عمده پیام معلوم و بدیهی فرض شده و در متن ذکر نمی‌شود. علت توسل به این مسئله، توجه به نیازها و شناخت خواننده و مخاطب است.

متغیرهای زبانی از دیگر عوامل مؤثر بر فرایند ترجمه است. این متغیرها شامل عناصر زبانی، کاربرد زبان، و انعطاف نظام زبان می‌گردد. طبق جدول شماره ۵، ۱۷/۷٪ پژوهشگران در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند. عبود (۷۷،۱۳۷۷) لازمه فرایند ترجمه را کاربرد زبانی سلیس می‌داند. سهیلی (۳۹،۱۳۶۵) آشنایی مترجم با عناصر زبانی مقصد و استفاده خلاقانه وی از این عناصر را عامل مؤثری در انتقال پیام متن در فرایند ترجمه می‌داند. لی و خو (۳۰۷،۲۰۰۳) تأثیر استفاده خلاقانه از نظام زبانی را مدنظر قرار داده و معتقدند که نظام زبانی هر زبان مقصد، حد خاصی از انعطاف‌پذیری را دارد که مثل دایره‌ای عمل می‌کند و هر ترجمه‌ای که به مرکز این دایره نزدیک‌تر باشد، از مقبولیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

۲-۵-۳- عملیات و اقدامات در فرایند ترجمه

در این بخش اقدامات گوناگونی مورد توجه محققان قرار گرفته است. مطابق جدول

شماره ۳، ۳۷٪ محققان درباره اقدامات مترجم اظهار نظر نموده‌اند. برخی از آنها مسائل گستره زبانی را مدنظر قرار داده‌اند. دلایا سستیا (۶۰، ۱۳۸۴) و بریسلین (۱۹۰، ۱۹۷۰) تعادل نقشی (Functional equivalence) را مطرح می‌کند و راه رسیدن به این نوع تعادل را مطالعه پاسخ‌های خوانندگان می‌داند. سیمپسون (۲۵۲، ۱۹۸۵) معتقد است که در فرایند ترجمه و رساندن مفهوم، توجه دقیق به بافت، موقعیت، لحن، کاربرد اصطلاحی زبان، و ایجاد تعادل سبکی از اقدامات مهم مترجم محسوب می‌شوند. قاضی (۱۱، ۱۳۷۲) انتقال مفهوم متن اصلی با زبانی صحیح، فصیح، و دیدی ادبی را وظیفه مترجم تلقی می‌کند. هارتون (۷۷، ۱۹۵۵) هم کنشی‌های همه سویه را از بایستگی‌های ترجمه می‌داند. لی و خو (۳۰۶، ۲۰۰۳) اعمال نوعی هنجار گریزی از مبانی نظام زبان مقصد را از دیگر اقدامات در فرایند ترجمه می‌شناسد. موارد دیگری مثل برقراری ارتباط (سهیلی ۴۰، ۱۳۶۵)، تعادل‌های گوناگون در سطوح مختلف زبانی (لفویر، ۱۹۷۰، منقول در اوسیمو، ۱۸، ۲۰۰۴)، وجود خلاقیت‌های گوناگون اون ژهر (۱۹۵، ۲۰۰۰) و اون ژهر (۱۹۹۰ منقول در اوسیمو، ۳۱، ۲۰۰۴)، و حذف تضادها (لفویر، ۱۹۷۴، منقول در اوسیمو، ۱۴، ۲۰۰۴) مطالعه شده است.

از دیگر عملیات موجود در فرایند ترجمه، موضوع تغییرات است. تاروپ (۲۰۰۰) منقول در اوسیمو (۲۱، ۲۰۰۴) علت توسل به تغییرات را در ترجمه، سبک و تصمیمات ایدئولوژیکی مترجم می‌داند. نایجکنز (۵۰۹، ۲۰۰۶) به نتیجه تغییرات توجه کرده و معتقد است که در نتیجه اعمال تغییرات گوناگون اثر کیفیت جدیدی پیدا می‌کند. اون ژهر (۱۹۸، ۲۰۰۰) به فلسفه وجود تغییرات در ترجمه توجه کرده و معتقد است که هدف مترجم در فرایند ترجمه منشأ تغییرات گوناگون است. لوی (۱۵۹، ۲۰۰۰) هم به علت وجود تغییرات پرداخته و معتقد است که بخشی از تغییرات و تفاوت‌ها در ترجمه ناشی از برداشت‌های نادرست و اشتباهات در شکل و بیان می‌باشد.

۳- تحلیل

مطابق جدول شماره ۱، ۳۹/۵٪ پژوهشگران در بعد تحلیل در فرایند نقد، به اظهار نظر پرداخته‌اند. مسائل مورد توجه آنان عبارتند از مفهوم، نوع، و هدف تحلیل. بر اساس جدول شماره ۲، ۲۹/۴٪ محققان درباره مفهوم تحلیل بحث نموده‌اند. این گروه از محققان (مک الستر، ۱۹۹۹، پیرس، ۱۹۷۱ منقول در اوسیمو ۱۳، ۲۰۰۴، سمیعی، ۲۴، ۱۳۷۹، کلی، ۱۹۷۹ منقول در ونوتی ۴، ۲۰۰۰، برسلین، ۱۸۵، ۱۹۷۰، مفهوم تحلیل را بررسی و مطالعه تلقی نموده‌اند.

۴۱/۱٪ محققان در زمینه انواع تحلیل تحقیق نموده‌اند. (جدول شماره ۶). گروهی از محققان بحث تحلیل تطبیقی را مدنظر قرار داده‌اند. این پژوهشگران تحلیل تطبیقی را از ابعاد گوناگون مطالعه نموده‌اند. لفویر (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۲۴،۲۰۰۴) تحلیل تطبیقی متون مبدأ و مقصد را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است که این تحلیل باید بر اساس تعادل‌های چهارگانه ذیل صورت گیرد:

تعادل بین پاره گفتار (Utterance) و موقعیت (Situation)

تعادل بین پاره گفتار، موقعیت و برجسته‌سازی (Foregrounding)

تعادل بین زبان (Langue) و گفتار (Parole)

تعادل بین آنچه که به طور صریح گفته می‌شود و آنچه که به طور گذرا و تلویحی به آن اشاره می‌شود.

تحلیل تطبیقی مورد نظر هلمز (۱۷۵،۲۰۰۰) تحلیل ویژگی‌های خاص متون مبدأ و مقصد است. تحلیل تطبیقی از نظر تاروپ (۲۰۰۰ منقول در اوسیمو ۱۹،۲۰۰۴) در برگرفته بررسی متون مبدأ و مقصد به طور عام می‌باشد. نورد (۱۹۹۱، منقول در اوسیمو ۲۳،۲۰۰۴) به تحلیل تطبیقی متون مقصد اشاره می‌کند. دادز (۱۹۸۵) منقول در مایر (۲۰۷،۱۹۹۸) به تحلیل سه بعدی متن مبدأ، متن مقصد، و مقایسه آن دو می‌پردازد. نیومارک (۱۸۹،۱۹۸۸) صرفاً به تحلیل متن مبدأ اشاره دارد. هتیم و میسن هم (۱۹۹۰) منقول در مایر (۲۱۰،۱۹۹۸) پارامترهای تحلیل را مورد توجه قرار می‌دهند.

مطابق جدول شماره ۶، ۵۲/۹٪ پژوهشگران اهداف گوناگونی را برای تحلیل در نظر گرفته‌اند. دیوگراند (۱۹۷۸) منقول در مایر (۲۰۹،۱۹۹۸) هدف تحلیل را مطالعه انتظارات خوانندگان و نویسندگان در زبان‌های مبدأ و مقصد می‌داند. هدف مورد نظر هلمز (۱۷۲،۲۰۰۰) در فرایند تحلیل عبارت است از تشخیص و طبقه‌بندی تغییرات. از نظر هارتون (۱۹۹۵) هدف تحلیل مطالعه و بررسی روش‌هاست. سمیعی (۴۴،۱۳۷۹) هدف تحلیل را بررسی مقام و موقعیت اثر ترجمه شده می‌داند. به نظر سیمپسون (۲۵۳،۱۹۸۵) در تحلیل باید هم به دنبال کشف نقاط قوت و ضعف مترجم بوده و هم به بررسی علل توفیق وی پردازیم. پیرس (۱۹۷۱، منقول در اوسیمو ۲۶،۲۰۰۴) هدف تحلیل را بررسی فرضیه‌ها با هدف بازآفرینی ارتباط موجود بین قاعده و نتیجه می‌داند. مک الستر (۱۶۹،۱۹۹۹) هدف تحلیل را کشف رابطه متن مقصد و عوامل مؤثر در تولید آن می‌داند. توری (۱۹۹،۲۰۰۰) هدف تحلیل را یافتن اصول و معیارهای پذیرش ترجمه در جامعه خاص می‌داند.

۴- معیارها و ملاک‌های نقد ترجمه

همانطور که در مقدمه نوشته شد، هر برنامه آموزشی دارای مجموعه‌ای از متغیرهای بنیادی و علمی است که هم کنشی‌اند. بنابراین باید مبانی هر برنامه آموزشی، من جمله نقد ترجمه، بر اساس معیارهای مسلم علمی باشد. در بخش ملاک‌ها و معیارهای نقد ترجمه ۶۹/۷٪ کارشناسان (جدول شماره ۱) به اظهار نظر پرداخته‌اند و مسائلی از قبیل روش کشف معیارها، معیارهای زبان مبدأ، زبان مقصد، و ترجمه مورد توجه آنان قرار گرفته است.

۴-۱- روش کشف معیارها و ملاک‌ها

در بعد شیوه کشف معیارها و ملاک‌ها ۵۶/۶٪ محققان یعنی ۱۷ نفر (جدول شماره ۷) به تحقیق پرداخته‌اند. گروهی از محققان تأثیر مسائل فرهنگی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. سهیلی (۴۱،۱۳۶۵) آشنایی با فرهنگ را زمینه کشف معیارها می‌داند. خزائی‌فر (۹۷،۱۳۸۴) مطالعه شرایط فرهنگی و اجتماعی را وسیله کشف معیارها می‌داند. رادریگوس (۱،۲۰۰۱) شناخت فرهنگ‌های مبدأ و مقصد را در کشف ملاک‌ها و معیارها مؤثر می‌داند. پاپویش (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۲۳،۲۰۰۴) و توری (۲۱۰،۲۰۰۰) بررسی ترجمه‌ها در قالب مقتضیات و ویژگی‌های فرهنگ مقصد را عامل کشف معیارها و ملاک‌ها می‌دانند.

جمع دیگری از پژوهشگران عرصه نقد، درباره روش کشف معیارها و ملاک‌ها و ابعاد کاری مترجم را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. هلمز (۱۸۰،۲۰۰۰) مقایسه نقشه‌های ذهنی مترجم را وسیله خوبی برای کشف معیارهای گوناگون ترجمه می‌داند. لوی (۱۵۵،۲۰۰۰) کشف روش و دیدگاه مترجم را در به دست آوردن معیارها و ملاک‌ها مؤثر می‌داند. سیمپسون (۲۵۹،۱۹۸۵) تحلیل و بررسی بخش‌های دشوار متن و نحوه عبور موفقیت‌آمیز مترجم از آنها را عامل روشنگری در کشف ملاک‌ها تلقی می‌کند. برخی دیگر از پژوهشگران، خود ترجمه را مورد توجه قرار داده‌اند. مک‌الستر (۱۶۹،۱۹۹۹) بررسی کیفیت ترجمه‌ها را برای کشف معیارها پیشنهاد می‌کند. هاوس (۱۲،۲۰۰۵) شناخت ماهیت و اهداف ترجمه را وسیله کشف ملاک‌ها می‌داند. لی و خو (۳۰۴،۲۰۰۳) بررسی ترجمه در قالب نظام زبان مقصد را عامل کشف ملاک‌ها تلقی می‌کند. تعداد دیگری از محققان، مخاطب و ویژگی‌های وی را عامل کشف معیارها می‌دانند. برای کشف معیارها، دبوگراند (۱۹۷۸) منقول در مایر (۲۰۸،۱۹۹۸) تحلیل انتظارات خوانندگان و نویسندگان در زبان‌های مبدأ و مقصد را پیشنهاد می‌کند. بریسلین (۱۸۵،۱۹۷۰) فرایند پیش‌بینی از طریق توجه به مخاطبان مبدأ و مقصد را وسیله به دست

آوردن معیارها در نظر می‌گیرد. هارتون (۷۵،۱۹۵۵) پذیرش متن مقصد به مثابه اثری هنری در میان مخاطبان را عامل مؤثر در کشف معیارها می‌داند. نایبجکنز (۵۱۰،۲۰۰۰) بررسی ارزش‌ها، دیدگاه‌های سیاسی، ایدئولوژیکی، و ادبی را وسیله مناسبی برای رسیدن به این هدف می‌داند. پیرس (۱۹۷۱ منقول در اوسیمو ۱۲،۲۰۰۴) بررسی حدس‌ها و فرضیه‌ها در بافت متن و کشف رابطه متن اصلی با ترجمه را برای به دست آوردن ملاک‌ها پیشنهاد می‌کند.

۲-۴- ملاک‌ها و معیارهای ترجمه

جمعی از محققان معیارهای پذیرفته شده ترجمه در یک جامعه را ملاکی برای ارزیابی ترجمه‌ها در نظر گرفته‌اند و معتقدند که به خاطر تفاوت متغیرهای گوناگون اجتماعی در جوامع گوناگون، ممکن است معیارهای خاصی برای جامعه‌ای مناسب باشند که برای جامعه دیگر درست تلقی نشوند. مطابق جدول شماره ۷، ۱۶/۶٪ محققان (۵ نفر از ۳۰ نفر) در این باره اظهار نظر نموده‌اند، نورد (۱۹۹۱) منقول در اوسیمو (۲۰،۲۰۰۴) در موضوع معیارهای ترجمه معتقد است که در هر جامعه معیارهایی وجود دارد که روش‌های ترجمه و روش‌های حل مشکلات در فرایند ترجمه را تعدیل، تنظیم، و مشخص می‌کند و آگاهی منتقد از این معیارها تأثیر مهمی در فرایند نقد ترجمه خواهد داشت. توری (۲۱۲،۲۰۰۰) معتقد است که در هر جامعه‌ای فرایند عملی ترجمه دارای اصول ثابتی است که از طریق بررسی ترجمه‌ها به کشف آنها نایل می‌شویم و در این اثنا معیارهایی به دست می‌آوریم که رفتارهای ترجمه‌ای مترجمین در فرهنگ‌های گوناگون را مشخص و معین می‌کند. سهیلی (۴۶،۱۳۶۵) بررسی فرایندهای ارتباطی موجود در متن را در کشف مهارت و توانایی مترجم و سرانجام در کشف مختصات و معیارهای ترجمه مؤثر می‌داند. هاوس (۴،۲۰۰۵) هم بررسی معیارهای پذیرش ترجمه‌ها را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. امامی (۱۴،۱۳۷۷) داشتن ترجمه‌های آثار به زبان فارسی و بررسی و کشف معیارها و ملاک‌های آن ترجمه‌ها را برای رسیدن به معیارهای علمی و منطقی نقد ترجمه مفید و مؤثر می‌داند.

۳-۴- معیارها و ملاک‌های زبان مقصد

در گستره معیارهای مقصد دو موضوع مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است: فرهنگ مقصد و زبان مقصد. مطابق جدول شماره ۷، ۴۰٪ کارشناسان در این بخش اظهار نظر نموده‌اند. بعضی‌ها فقط به معیارهای فرهنگی بسنده کرده‌اند، مثلاً نورد (۱۹۹۵) منقول در اوسیمو

(۲۰۰۴، ۱۳) نگرش نسبت به ترجمه در یک فرهنگ را معیار مناسبی می‌داند، اون زهر (۲۰۰۰، ۱۹۹) به انطباق با معیارهای فرهنگ مقصد اشاره می‌کند، نایب‌کنز (۲۰۰۰، ۵۱۶) به طور عام معیارهای فرهنگی را مدنظر قرار می‌دهد، و رادریگوس معیار فرهنگ‌های مبدأ و مقصد را مورد توجه قرار می‌دهد. گروه دیگر پژوهشگران ونوتی، (۲۰۰۰، ۱۰)، دادز، (۱۹۸۵) منقول در مایر (۱۹۹۸، ۲۰۸)، لی و خو (۲۰۰۳، ۳۰۹) تحلیل ترجمه در قالب معیارهای زبان مقصد را پیشنهاد می‌کنند.

گروه سوم ملاک‌های گستره فرهنگ و زبان را بررسی کرده‌اند. پاپویش (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴، ۲۴) تنها معیار تحلیل و نقد را تحلیل در قالب سبک‌های فرهنگی و زبانی مقصد می‌داند. توری (۲۰۰۰، ۱۰۸) ملاک بررسی را مطالعه در قالب ویژگی‌های فرهنگ و زبان مقصد تلقی می‌کند. خزاعی فر (۱۳۸۴، ۱۱۵) معیارهای فرهنگ و ادب مقصد را مورد اشاره قرار می‌دهد.

۴-۴- ملاک‌ها و معیارهای زبان مبدأ

بر اساس جدول شماره ۷، ۲۰٪ محققان در این زمینه به اظهارنظر پرداخته‌اند. گروهی از آنان کلی‌نگر بوده و بعضی هم به مسائل خاص اشاره نموده‌اند. نورد (۱۹۹۵) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴، ۲۱) کلی‌گویی کرده و معیارهای مبدأ را مطرح می‌کند. دادز (۱۹۸۵) منقول در مایر (۱۹۹۸، ۲۰۸) معیارهای زبان مبدأ را مؤثر تلقی می‌کند. خزاعی فر (۱۳۸۴، ۱۱۴) ملاک متن اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد و منظور وی مقایسه ترجمه با متن اصلی از حیث درستی و نادرستی است. رادریگوس (۲۰۰۱، ۵) شناخت معیارهای فرهنگ مبدأ را معرفی می‌کند. ونوتی (۲۰۰۰، ۱۱) معیار تمایز با متن مبدأ را مورد توجه قرار می‌دهد. بریسلین (۱۹۷۰، ۲۰۰) واکنش خوانندگان متن مبدأ را ملاک بررسی می‌داند.

۵- نقد

این بخش مقاله، دیدگاه‌های محققان درباره ماهیت، آثار و کارایی نقد را تجزیه و تحلیل می‌کند. همه این محققان به نحوی در این بخش به اظهار نظر پرداخته‌اند.

۵-۱- ماهیت نقد ترجمه

درباره ماهیت نقد ترجمه تمامی نویسندگان معتقدند که فرایند نقد ترجمه، ماهیتی

پژوهشی دارد و بدون رویکردهای پژوهشی، نقد ترجمه به هدف خود نایل نخواهد شد. و اما تحقیق چیست؟ تحقیق فرایند نظام‌مندی است که محقق در چارچوب آن در جستجوی یافتن پاسخ سؤالات و حل مشکلات است (فرهادی، ۱۳۸۰، ۱۳). در این فرایند محقق در پی تجزیه و تحلیل عینی و دقیق مشاهدات بوده و هدف وی کشف اصول، نظریه‌ها، طبقه‌بندی، نتیجه‌گیری، و بحث درباره نوع روابط موجود بین پدیده‌ها و متغیرهای گوناگون است. به نظر فرهادی (۲۸، ۱۳۸۰) در گستره تحقیق دو اصطلاح نوع (Kind) و روش (Method) مترادف تلقی می‌شوند. ولی این تلقی درست نیست. در روش تحقیق، بحث درباره اقداماتی است که محقق برای رسیدن به هدف خود یعنی یافتن پاسخ سؤالات و حل مشکلات اتخاذ می‌کند. اما در نوع تحقیق، موضوع مطالعه ماهیت پژوهش است که ممکن است پژوهش ماهیت اکتشافی، اثباتی، بنیادی، و کاربردی داشته باشد. در مطالعات اکتشافی (exploratory) محقق در جستجوی کشف اسرار پدیده‌ها است. در تحقیقات اثباتی (Confirmatory) از طریق تکرار کامل یا جزئی تحقیقات قبلی، پژوهشگر به دنبال اثبات و تصدیق آنهاست. در تحقیق بنیادی (Pure) محقق در پی کشف روابط بین پدیده‌ها و متغیرهاست. هدف محقق در تحقیقات کاربردی (Applied) استفاده و بهره‌برداری از یافته‌های تحقیقات نظری می‌باشد.

در تحلیل دیدگاه‌های محققان در می‌یابیم که ۶۵/۳٪ آنان نقد ترجمه را پژوهشی بنیادی تلقی کرده و معتقدند که نقد ترجمه به کشف روابط بین پدیده و متغیرها و شناخت ابعاد گوناگون آنها می‌پردازد. گروه دیگر ۷۳٪ معتقد به کاربردی بودن پژوهش‌های انتقادی ترجمه بوده و مسائلی از قبیل تحلیل، ارزیابی و بهره‌برداری از ابعاد گوناگون را مورد توجه قرار می‌دهند (جدول شماره ۸).

۲-۵- کارایی پژوهشی نقد ترجمه

مطابق جدول شماره ۹ در بخش کارایی پژوهشی نقد ترجمه ۲۷/۲٪ محققان (۹ نفر از ۳۳ نفر) به اظهار نظر پرداخته‌اند و مسائلی از قبیل عوامل، منابع آموزشی، و ویژگی‌های مترجم مورد توجه آنان قرار گرفته است.

در زمینه منابع آموزشی اون زهر (۲۰۰۰، ۱۹۴) و اون زهر (۱۹۹۰، منقول در اوسیمو، ۱۴، ۲۰۰۴) تحقیق درباره تعامل متغیرهای گوناگون بر ایجاد خلاقیت در ترجمه را پیشنهاد می‌کند. امامی (۱۴، ۱۳۷۷) کارایی نقد را کشف منابع معتبر پژوهشی برای رشد و گسترش مطالعات ترجمه می‌داند. خزاعی فر (۱۱۶، ۱۳۸۴) معتقد است که تحقیق و مطالعه در حوزه

نقد ترجمه منشاء دیدگاه‌های استدلالی و گسترده زبانی و فرهنگی بوده و نمایانگر رویکردها، روش‌ها، و گرایش‌های مترجمان است و می‌تواند باعث اصلاح، پیشرفت، و تعالی کار مترجمان به طور خاص و مطالعات ترجمه به طور عام گردد.

در بخش پژوهش در مورد عوامل، هاوس (۱۳،۲۰۰۵) معتقد است که نقد ترجمه به محققان کمک می‌کند تا نوع رابطه و همیاری بین نظریه‌های ترجمه و روش‌های نقد ترجمه را مورد کنکاش قرار دهند. سیمپسون (۲۵۷،۱۹۸۵) بر این باور است که پژوهش در عالم نقد به ما کمک می‌کند تا عوامل تأثیرگذار بر فرایند انتقال پیام را از طریق بررسی بخش‌های مشکل متن و مهارت مترجم در حل مشکلات را مشخص نماییم. مک‌الستر (۱۷۶، ۱۹۹۹) به این نتیجه می‌رسد که پژوهش‌های انتقادی در ترجمه در کشف عوامل مؤثر در آن مؤثر بوده و درباره ترجمه‌ها به یادگیرنده اطلاع‌رسانی می‌کند. کلی (۱۹۷۹ منقول در ونوتی ۵،۲۰۰۰) اذعان می‌دارد که این پژوهش‌ها می‌توانند در خدمت کشف رابطه بین هدف ترجمه و تصمیمات مترجم قرار گیرند. ونوتی (۱۲،۲۰۰۰) از منظر تفاوت‌ها موضوع مورد توجه قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که بررسی تفاوت‌ها بین متون مبدأ و مقصد بخشی از هویت رشته تخصصی مطالعات ترجمه را تشکیل می‌دهد.

بخش سوم کارایی پژوهشی نقد ترجمه با ویژگی‌های مترجم مرتبط است. سهیلی (۱۳۶۵) معتقد است که پژوهش در نقد ترجمه می‌تواند در خدمت کشف ویژگی‌هایی قرار گیرد که مترجم را به اوج کمال رسانده و ایده‌آل‌های ترجمه را معرفی نماید. تاروپ (۲۰۰۰) منقول در اوسیمو (۱۶، ۲۰۰۴) می‌گوید که نقد ترجمه به مطالعه سبک مترجم، تغییرات ایجاد شده در فرایند ترجمه، و علل بروز این تغییرات می‌پردازد.

۵-۳- آثار نقد

در بخش تأثیر مطالعات انتقادی در ترجمه، مطابق جدول شماره ۹، ۴/۴۸٪ پژوهشگران (۱۶ نفر از ۳۳) اظهار نظر نموده‌اند و گستره‌های گوناگونی مثل رویکردها، مخاطب، و فرایند مورد توجه آنان قرار گرفته است.

درباره تأثیر مطالعات نقد ترجمه بر رویکردهای گستره مطالعات این رشته، هتیم و میسن (۱۹۹۰) منقول در مایر (۲۱۰، ۱۹۹۸) با استفاده از اصطلاح نشانه‌شناسی فرهنگی زبان رویکردی گفتمانی را معرفی می‌کنند که هم مسائل زبان‌شناسی و هم مسائل فرا زبان‌شناسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. درباره تأثیر بر رویکردها، هارتون (۸۲، ۱۹۵۵) معتقد است که تحت

تأثیر مطالعات انتقادی، پژوهشگران دیگر صرفاً به اجزاء و سازگاری‌های متنی نمی‌پردازند، بلکه مسائل اساسی مورد توجه آنان تعامل و تبادل فرهنگی است. پیرس (۱۹۷۱) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴، ۱۲) نقش پژوهش‌های انتقادی را آموزش خواندن و تفکر انتقادی مبتنی بر استدلال حدس و گمانی می‌داند. لفویر (۲۰۰۰، ۲۴۶) نقد ترجمه را در تسهیل تعامل زبانی- فرهنگی بین فرهنگ‌ها و زبان‌ها را مؤثر می‌داند.

بخش دوم تأثیر پژوهش‌های انتقادی متوجه مخاطب است و مخاطب هم شامل مترجم و هم خواننده می‌باشد. امیر فریار (۱۳۷۷، ۱۴) معتقد است که از طریق تسهیل فرآیند تعامل خلاقانه و نقادانه، نقد ترجمه می‌تواند در خدمت گسترش مهارت‌های ارتباطی خواننده قرار گیرد. دریابندری (۱۳۷۶، ۱۲۴) بر این باور است که- به شرط عینیت، روش‌بینی، و سادگی زبان- نقد ترجمه می‌تواند در خدمت آگاهی جامعه قرار گیرد. عبود (۱۳۷۷، ۷۵) موضوع نقش ارشادی برای خواننده را مطرح می‌کند. دلاباستیتا (۱۳۸۴، ۶۴) کمک به خواننده برای کشف مفاهیم ضمنی فرهنگی را مد نظر قرار می‌دهد.

در زمینه تأثیر نقد ترجمه بر مترجم دوما (۱۳۷۴، ۳۶) بر این عقیده است که نقد ترجمه بر کیفیت کار مترجمان تأثیر گذاشته و در آنان حساسیت‌های لازم در فرایند ترجمه را تقویت می‌نماید. شهبها (۱۳۷۶، ۱۰۵) تربیت مترجم و منتقد را از ارمغان‌های پژوهش‌های انتقادی برمی‌شمارد. مایر (۱۹۹۸، ۲۰۸) نقد ترجمه را در آموزش ترجمه و مترجم مفید فایده می‌داند. هلمز (۲۰۰۰، ۱۸۰) اذعان می‌دارد که از طریق تشخیص، تبیین، و طبقه‌بندی تغییرات می‌توان به بازسازی نقشه ذهنی مترجم اقدام نمود و نتایج به دست آمده را در فرآیند آموزش ترجمه به کار بست. ویلیکوسکی (۱۹۹۸) منقول در مایر (۱۹۹۸، ۲۱۱) بررسی تصمیمات مترجم در غالب بافت ادبی ایجاد شده در نتیجه همیاری بین متون مبدأ و مقصد را از ارمغان‌های نقد ترجمه می‌داند.

درباره تأثیر نقد بر فرایند ترجمه پاپوش (۱۹۷۴) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴، ۱۰) معتقد است که مطالعات انتقادی فرایند ترجمه را جزء زیرمجموعه رشته‌ها و حوزه‌های تجربی مطرح نموده و ماهیتی تجربی برای آن به ارمغان می‌آورد. نایجکنز (۲۰۰۰، ۵۱۴) هم کنشی اثر و فرایند ترجمه را مطرح می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نقد ترجمه روابط علی و معلولی بین این دو متغیر را مشخص می‌نماید. لی و خو (۲۰۰۳، ۳۰۷) موضوع هم کنشی بین تفاوت‌ها و فرایند ترجمه را مدنظر قرار می‌دهند و اذعان می‌دارند که نقد ترجمه تأثیر تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، رشد ناموزون در علوم گوناگون بر فرایند ترجمه را بررسی می‌کند و کاربردهای

گوناگون آموزشی - پژوهشی را مشخص می‌نماید. تقیه (۵۶، ۱۳۸۴)، لوی (۱۶۴، ۲۰۰۰)، و بریسلین (۱۹۷۰) تأثیر نقد را معرفی حوزه آزمون‌سازی و ارزشیابی در فرایند ترجمه تلقی می‌کنند و معتقدند که نقد ترجمه می‌تواند میزان دستیابی به هدف را در فرایند ترجمه به تصویر کشد. نیومارک (۱۹۵، ۱۹۸۸) معرفی ترجمه در فرهنگ را از آثار نقد ترجمه محسوب می‌کند.

۶- بحث و بررسی

در تحلیل رویکردهای نظری نقد ترجمه در می‌یابیم که ۶۲/۷٪ مبانی فکری و منابع آموزش و یادگیری محققین در مطالعات انتقادی ترجمه را بررسی و توصیف فرایند ترجمه تشکیل می‌دهد. این رقم درصد بالایی بوده و از این لحاظ اهمیت دارد که نشان دهنده نگرش علمی این محققان است. به خاطر این که مبنای بررسی‌های این محققان عملیات و اقدامات موجود در فرایند ترجمه است که با اصول ارزشیابی مورد نظر فرهادی و دیگران (۷۷، ۱۳۷۳) منطبق است. این موضوع مبین حرکت پژوهشگران در مسیر کاربرد مبانی سنجش و ارزیابی در گستره ترجمه می‌باشد.

متغیر دیگر مورد توجه محققان تحلیل است که ورود به عالم متن از طریق بررسی و مطالعه روابط بین مخاطب، مترجم، متون مبدأ و مقصد بوده و تعامل آنها با زبان، فرهنگ، ادبیات و علوم گوناگون را مطالعه می‌نماید. در مجموع ۳۹/۵٪ پژوهشگران درباره کاربرد تحلیل بحث کرده‌اند که شامل پژوهش درباره نوع و هدف تحلیل می‌گردد و نوع تحلیل هم ناظر بر تحلیل تطبیقی (۴۱/۱٪) در ابعاد گوناگون می‌باشد. لازمه گفتمان درباره متن، تحلیل است و مطالعه متن بدون کاربرد روش‌های تحلیل تطبیقی در حوزه‌های زبان، فرهنگ، جامعه، فلسفه، سیاست، ایدئولوژی، و ادبیات غیرممکن می‌باشد.

بخش سوم دیدگاه‌های پژوهشگران نقد شامل معیارها و ملاک‌های علمی، زبانی، ادبی، و فرهنگی می‌گردد که لازمه هر نوع سنجش و ارزشیابی است. ۶۹/۷٪ محققان در این باره به بحث پرداخته‌اند. مسئله جالب روش کشف معیارهاست که مورد غفلت آنان واقع نشده است. این امر نشان می‌دهد که اولاً نقد ترجمه یک فرایند است، فرایندی علمی و آموزشی که باید مبتنی بر ملاک‌های مسلم علمی باشد.

بخش انتهایی مقاله به بررسی دیدگاه‌های محققان درباره ماهیت نقد، ابعاد، و کارایی آن می‌پردازد. به نظر محققین نقد ترجمه ماهیتی پژوهشی دارد و باید مراحل، روش‌ها، اصول

تحقیق در آن به کار برده شود. در فرایند تحقیق محقق در پی تجزیه و تحلیل عینی و دقیق مشاهدات بوده و هدف وی کشف اصول، نظریه‌ها، طبقه‌بندی، نتیجه‌گیری، و بحث درباره نوع روابط موجود بین پدیده‌ها و متغیرهای گوناگون می‌باشد. در تحلیل دیدگاه‌های محققین در می‌یابیم که ۶۵/۳٪ آنان نقد ترجمه را پژوهشی نظری تلقی کرده و هدف آن را کشف روابط بین پدیده و متغیرها و شناخت ابعاد گوناگون آنها می‌دانند. گروه دیگر ۷۳٪ معتقد به کاربردی بودن پژوهش‌های انتقادی ترجمه بوده و مسائلی از قبیل تحلیل، ارزیابی، و بهره‌برداری از ابعاد گوناگون را مورد توجه قرار می‌دهند. نتیجه چنین رویکردی یافتن پاسخ به سؤالات درباره علل توفیق یا عدم توفیق ترجمه در یک فرهنگ و جامعه است. در صورت یافتن پاسخ‌ها، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تحقیقاتی در مسیر صحیح هدایت خواهند شد.

۷- نتیجه و کاربردهای آموزشی - پژوهشی

دیدگاه‌های کارشناسان در گستره مبانی نظری نقد ترجمه در چهار حوزه خلاصه می‌گردد: توصیف فرایند ترجمه برای کشف مبانی فکری و منابع آموزش و یادگیری، تحلیل مسائل مختلف، مطالعه معیارها و ملاک‌ها، و تجزیه و تحلیل ماهیت نقد ترجمه.

مبانی فکری و منابع آموزش و یادگیری محققین در مطالعات انتقادی ترجمه را بررسی و توصیف فرایند ترجمه تشکیل می‌دهد که مبین علمی بودن و ارتباط نگرش آنان با اصول علم سنجش و ارزشیابی است. این امر نشان می‌دهد که نقد ترجمه موضوعی فراتر از مقایسه مکانیکی بین متن مبدأ و مقصد و یافتن چند اشکال دستوری و غیره می‌باشد. بنابراین، منتقد ترجمه محقق و تحلیلگری است با ذهن و زبانی باز، خلاق، و گسترش یافته در سایه مطالعات فرهنگی، ادبی، فلسفی، و سیاسی در زبان‌های مبدأ و مقصد. در نتیجه، مسئولیت مترجم و نظام تربیت مترجم هم متحول شده و شامل تحقیق، استفاده از فناوری، آگاهی از نقش ترجمه در جامعه، و نقش جامعه در ترجمه می‌گردد.

از دیگر مسائل مورد توجه محققان تحلیل است. لازمه گفتمان درباره متن، تحلیل است و مطالعه متن بدون کاربرد روش‌های تحلیل تطبیقی در حوزه‌های زبان، فرهنگ، جامعه، فلسفه، سیاست، ایدئولوژی، و ادبیات غیرممکن می‌باشد. به علاوه تحلیل انتقادی متن - یعنی خواندن انتقادی - به ما می‌آموزد که متن چه چیزی را بیان می‌کند، چه چیزی را بیان نمی‌کند، و چه چیزی را به شکل ضمنی بیان می‌کند. تحلیل متن هم می‌تواند کاربردهای گوناگونی در ابعاد مختلف داشته باشد که نیازمند تحقیقات متعددی است.

به نظر محققان، نقد ترجمه، ماهیتی پژوهشی دارد و باید اصول تحقیق یعنی تجزیه و تحلیل عینی و دقیق مشاهدات، کشف اصول، روابط بین پدیده‌ها، نظریه‌ها، طبقه‌بندی، نتیجه‌گیری در فرایند آن گنجانده شود. در نتیجه اتخاذ رویکردهای محققانه، منتقد پاسخ‌سؤالات خویش درباره علل توفیق یا عدم توفیق ترجمه در یک فرهنگ و جامعه را خواهد یافت و همچنین در صورت یافتن پاسخ‌ها، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تحقیقاتی در مسیر صحیح هدایت خواهند شد. بنابراین به نظر می‌رسد بهتر است حرکت رشته جدید مطالعات ترجمه در مسیر رشته‌های مرتبط هدایت شود تا نتایج مثمر ثمرتری به دست آید. به خاطر این که در آن حوزه‌ها در طول سال‌ها تحقیقات فراوانی انجام گرفته است و می‌توان با الهام از آنها رسیدن به هدف در ابعاد گوناگون را تسهیل نموده و از نقاط قوت و ضعف آنها درس‌هایی گرفت.

مسئله اساسی که از دیدگاه‌های محققین استنباط می‌گردد، لزوم بازنگری و تحول در وظیفه نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی است. تهیه و تدوین مطالب درسی در حوزه ترجمه هنوز نظام‌مند نیست و بررسی جامعی درباره مبانی نظری و عملی آن صورت نگرفته است. با توجه به این که در رشته‌های مرتبط - مثل زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، مطالعات فرهنگی - اجتماعی، و آموزش زبان - تحقیقات گسترده و نظام‌مندی صورت گرفته است، می‌توان با مطالعه اصول و مبانی آنها، اشتراکات را اقتباس نمود و سرانجام با اتخاذ روش‌های انتقادی و خلاق، فرایند تهیه مطالب درسی مدونی را ارائه کرد. مباحث فوق را می‌توان در ابعاد آموزشی و آزمون ترجمه نیز مطرح نمود و راهبردهایی را برای حل مشکلات استنباط کرد.

Bibliography

- Abbood, Abdeh. (1377/1998). *Naghd-e Tarjomeh Adabi* (Literary Translation Criticism). Translated by Mansoureh Zarkoob. *Motarjem*. No. 26. 72-79.
- Amirfariar, Farrokh. (1377/1998). *Naghd-e Tarjomeh Dar Iran*. (Translation Criticism in Iran). *Motarjem*. No. 26 pp. 14-15.
- Anderman, Gunilla and Margaret Rogers. (eds). (1999). *Word, Text, Translation*. Multilingual Matters. Retrieved From: [http:// books. Google, com/books?id](http://books.google.com/books?id).
- Baker, M. (1998). "Translation Studies". in Baker, ed. (1998). 277-280.
- . ed. (1998). *Encyclopaedia of Translation Studies*. London: Routledge.
- Brislin, R. (1970). *Back Translation for Cross-Cultural Research*. *Journal of Cross-Cultural Research*. Vol. 1, No. 3. pp. 185-216.

- Daryabandari, Najaf. (1376/ 1997). *Yek Goftogo*. (A Dialogue). Tehran: Karnameh publications.
- Damadi, Seyed Mohammad. (1375/1996). *Bar Gzidehe Asar Dar Ghalamroe Naghde Adabi*. (The Selected Works In Literary Criticism). Tehran: Elmi Publications.
- Delabastita, Derek. (1384/2005). *Chashmandaz-e Motaleat Tarjomeh Dar Gharn Bistoyekom* (An Overview of Translation Studies And 21st Century). Translated by Ali Hajhoseini. *Motarjem*.No. 40 pp. 53-69.
- Dooma, Flex. (1374/1995). *Molahezati Dar bareh Naghd Tarjomeh Asar Adabi*(Some Concerns On The Criticism Of The Literary Works). Translated by Shahla Sharifi. *Motarjem*.No. 20. 34-39.
- Emami, Karim.(1377/1998). *Dah Farmane Naghde tarjomeh* (Ten Commandments Of Translation Criticism). *Motarjem*.No. 27. 12-16.
- Even-Zohar, I. (2000). *The Position of Translated Literature Within The Literary Polysystem*. in Venuti (ed)(2000). 192-198.
- Farhadi, Hosein. (1380/2001). *Osool va Raveshe Tahghigh* (Principles Of The Research Methods). Tehran: Payame Noor publications.
- . (1387/2008). *Amoozesh Zabane Englisi Dar Iran* (Teaching English Language In Iran). *Motarjem*.No. 30. 64-70.
- Farhadi, Hosein, Abdoljavad Jafarpoor, Parviz Birjandi. (1373/1994). *Azemoon Dar Zaban Englisi* (Language Skills Testing). Tehran: Samt publications.
- Farahzad, Farzaneh. (1382/2003). *Charchoobi Baraye Naghde Tarjomeh* (A Theoretical Framework For The Analysis Of Translation Criticism). *Faslnameh Motaleat Tarjomeh*. No. 3. 29-37.
- Ghazi, Mohammad. (1372/1993). *Vizhegihayeh Motarjeme Khoob*(Characteristics Of A Good Translator). *Motarjem*.No. 9. 31-34.
- Harton, D. (1995). *George Buchner's "Lenz" in English*. *Babel*: Vol. 41.No. 2. 65-86.
- Holmes, J. S. (2000). *The Name and Nature of Translation Studies*. in Venuti (ed) (2000). 172-186.
- Horenby, M. S. (2006). *The Turns of Translation Studies*. Amsterdam: John Benjamins.
- Huose, J. (2007). *Models of Translation Criticism*. Retieved From: [http:// translation han gr / etran/content/ document](http://translation.han.gr/etran/content/document).
- Jafarpoor, Abdoljavad. (1377/1998). *Naghde Tarjomeh Dar Iran* (Translation Criticism in Iran). *Motarjem*.No. 26. 16-17.
- Keivani, Majdoddin. (1377/1998). *Naghde Tarjomeh Dar Iran* (Translation Criticism in Iran). *Motarjem*.No. 26. 18-22.
- Khazaefar, Alh. (1384/2005). *Goftogoo ba Ali Khazaefar* (An Interview With Ali Khazaefar). *Motarjem*.No. 40. 97-119.

- Lefever, A. (2000). *Mother Courage's Cucumbers, Text, System, and Refraction in a Theory of Literature*. in Venuti (ed) (2000). 233-250.
- .(1992). *Translation, Rewriting, And The Manipulation Of Literacy Fame*. London: Routledge.
- Lefever, A. and S. Bassnett. (1992). *Translation, History, Culture*. New York: Routledge.
- Levi, J. (2000). *Translation as a Decision Process*. in Venuti (ed) (2000). 148-160.
- Li, J. and S., Xu. (2003). *Foregrounding as a Criterion for Translation Criticism*. Babel: Vol.49. No.4. 302-310.
- Maier, C. (1998). *Reviewing and Criticism*. in Baker (ed) (1998). 204-210.
- McAlester, G.(1999). *The Source Text in Translation Assessment*. in Anderman, Gunilla and Margaret Rogers. (eds).(1999). II. 169-179.
- Naaijken, T.(2006). *The World of Poetry: Anthologies of Translated Poetry as a subject of Study*. Neophilologus: Vol. 90. No. 3. 509-520.
- Newmark, Peter. (1372/1993). *Yaddashthayee Dar Bareh Tarjomeh*(Notes On Translation). Motarjem.No. 11 and 12. 79-80
- Newmark, P. (1988). *A Textbook of translation*. New York: Prentice Hall.
- Osimo, B. (2004). *Translation Course*. Retrieved From: http://www.logos.it/pls/dictionary/linguistic_resources.traduzione_en?lang=en.
- Robinson, D. (1997). *Becoming a Translator, An Accelerated Course*. London: Routledge.
- Rodrigues, L. (2001). *Some Reflections on Poetry in Translation and It's Criticism*. Meta: Vol. xx. No.4. 1-6.
- Samiee, Ahmad. (1379/2000). *Negaresh Va Virayesh* (Writing And Editing). Tehran: Samt publications.
- Safavi, Koorosh. (1382/2003). *Tarhe Chand Melak Darun Zabani Dar Naghde Nezamman tarjomeh*(A Survey Of Some Interlink Wall Criteria In Systematic Criticism Of Translation) Fasnameh Motaleat Tarjomeh. No. 3. 7-18.
- Shahba, Mohammad.(1376/1997). *Andar Adabe Naghde Tarjomeh*(On Translation Criticism Behaviors. Motarjem.No. 23 and 24. 104-107.
- Simpson, E. (1985). *Methodology in Translation Criticism*. Meta: Vol. xx. No. 4. 250-262.
- Soheili, Abolghasem. (1365/1986). *Didgahhaye Naghde Tarjomeh* (Approaches On Translation Criticism). Fasnameh Tarjomeh. No. 2. 5-39.
- Stern, H.H. (1983). *Fundamental Concepts of Language Teaching*. Oxford: OUP.
- Taghyeh, Mohammad Hassan. (1384/2005). *Naghde Tarjimeh Chist?* (What Is Translation Criticism?). Fasnameh Motaleat Tarjomeh. No. 11. 53-61.

Toury, G. (1995). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam: John Benjamins.

---. (2000). *The Nature and Role of Norms in Translation*. in Venuti (ed) (2000). 198-213.

Venuti, L. (1995). *The Translator's Invisibility. A History of Translation*. London: Routledge.

Venuti, L. (2000). *The Translation Studies Reader*. London: Routledge.

ضمائم



